

اصل غیر عقلایی بودن در حقوق اداری و انعکاس آن در آرای دیوان عدالت اداری

محمدحسین زارعی* - خدیجه شجاعیان**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۹)

چکیده

در مقاله حاضر بر آن هستیم که چستی اصل غیر عقلایی بودن به عنوان یکی از جهات نظارت قضایی در نظام کامن لا و اعمال آن را در آرای دیوان عدالت اداری بررسی کنیم. در این راه با توجه به پرونده‌های مرجع، به مفهوم این اصل، برداشت‌های دوگانه از آن و انواع تصمیم‌هایی که در رویه قضایی انگلستان غیر عقلایی اعلام شده‌اند، می‌پردازیم. همچنین آن دسته از آرای دیوان عدالت اداری که قابلیت تفسیر در پرتو اصل غیر عقلایی بودن را دارند، بیان می‌شوند. در آرای هیئت عمومی دیوان، می‌توان مواردی را یافت که در قلمرو اصل غیر عقلایی بودن در معنای عام می‌گنجد. مواردی از قبیل نقض اصل برابری و منع تبعیض، عقلانیت و لزوم برقراری تعادل منصفانه میان ملاحظات مرتبط، ابتدای تصمیم بر ملاحظات غیر مرتبط و تصمیم‌های ظالمانه و محدود کننده حقوق شهروندان مانند سلب مالکیت مشروع، نقض حق دادخواهی و رجوع به مراجع صالح دادگستری.

واژگان کلیدی: غیر عقلایی بودن، عقلانیت، فرآیند غیر عقلایی، تصمیمات ظالمانه،

حاکمیت قانون

* Zarei.mh1@gmail.com

** khadijeh.shojaeian@gmail.com

* استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

۱. مقدمه

امروزه به دلیل گستردگی موضوعات اداری و نقش پیچیده دولت در جوامع، تعیین تمام جزئیات و شرایط تصمیمات اداری از سوی قانون‌گذار ممکن نیست؛ در نتیجه، اعطای صلاحیت اختیاری به قوه مجریه برای تأمین منفعت عمومی و انتخاب مناسب‌ترین تصمیم ضروری است. با گسترش این صلاحیت‌ها همواره امکان سوءاستفاده مقامات عمومی و تضییع حقوق شهروندان وجود دارد. صلاحیت مطلق و فارغ از هر محدودیت و تصمیم‌گیری نابخردانه خطر خودسری را در پی دارد (Schultz Bressman, 2003:190) رفتار خودسرانه باعث تجاوز به آزادی‌های افراد (Bellamy, 2007: 58)، بی‌ثباتی معیارهای اداره عمومی و اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای می‌شود. (فنازاد، ۱۳۹۱: ۱) چنین رویکردی پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌های اداری را غیرممکن می‌سازد. در نتیجه شهروندان از برنامه‌ریزی برای تنظیم امور خود ناتوان می‌شوند. (Raz, 2009: 220) انتقاد از حکومت خودسرانه رویکرد جدیدی نیست. شاهد مثال ما، فلسفه سیاسی ارسطو از یونان باستان است که قدرت خودسرانه را محکوم می‌کند. (Ip, 2014: 4) همچنین وحشت ماگنا کارتا از اعمال خودسرانه اختیار، شاهد مثال دیگری است. (Vincent, 2012:2)

حاکمیت قانون تصمیمات خودسرانه و نامعقول را ممنوع می‌کند. در تأیید این مطلب، دادگاه‌های انگلستان، معیارهایی را با عنوان جهات نظارت برای سنجیدن اعمال و تصمیمات مجریه با هدف مهار اختیارات عمومی شکل داده‌اند (Jowell, 2013) چنانچه لرد کوک تصریح می‌کند، عمل اداری باید منصفانه، عقلایی و مطابق با قانون باشد (Knight, 2010: 4) که در واقع بیانی دیگر از فرمول لرد دیپلاک در پرونده «شورای اتحادیه‌های خدمات شهری علیه وزیر خدمات شهری» است؛ وی دلایل نظارت قضایی را غیرقانونی بودن و غیر عقلایی بودن و رعایت نکردن تشریفات رویه‌ای می‌داند. بر اساس اصل غیر عقلایی بودن، در صورتی که تصمیم اتخاذ شده یا اقدام انجام شده غیر عقلایی شناخته شود، دادگاه می‌تواند تصمیم را نقض کند. غیر عقلایی بودن گاهی مترادف با غیر عقلانیت^۱ به کار می‌رود و گاهی هم به آن غیر عقلایی بودن و نزربری^۲ اطلاق می‌شود. کاربرد این جهت نظارت در مواردی است که صلاحیت اختیاری مقام عمومی به درستی اعمال نگشته و یا به خوبی توجیه نشده است؛ بنابراین دادگاه اقدام به نظارت بر محتوای تصمیم یا توجیه آن می‌کند. (Woolf, 2007: 544)

بر اساس غیر عقلایی بودن، دادگاه محتوای تصمیم مقام عمومی را بدون جایگزین کردن

1. Irrationality
2. Wednesbury Unreasonableness

تصمیم وی بررسی و نظارت می‌کند. (Fordham, 2007: 266-268) بنابراین، اختیار دادگاه برای کاربست این اصل در نظارت بر تصمیمات مقام عمومی به مثابه اختیار مرجع تجدید نظر نیست. قاضی در جایگاه مقام تصمیم‌گیرنده قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان مقام قضایی به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا مقام عمومی فراتر از اختیارات اعطا شده از سوی پارلمان عمل کرده است. (Künnecke, 2007: 93) هدف این رویکرد، تعیین درست یا نادرست بودن عمل اداری نیست، بلکه اثبات و یا رد عقلایی بودن آن است (Phadime, 2007: 38-39) با این توضیح، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به دو پرسش است: اول اینکه مفهوم اصل غیر عقلایی بودن به عنوان یکی از جهات نقض تصمیمات اداری در نظام حقوقی انگلستان چیست؟ و دوم اینکه آیا این اصل از سوی دیوان عدالت اداری مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟ برای تبیین مفهوم غیر عقلایی بودن ناگزیر از رجوع به رویه قضایی هستیم تا با تحلیل پرونده‌های مورد استناد فهم روشنی حاصل شود. به فراخور بحث، زمینه اعمال آن در آرای دیوان عدالت اداری بررسی خواهد شد.

۲. تحلیل مفهومی

برای تبیین مفهوم اصل غیر عقلایی بودن نخست به شناخت خود واژه و سپس تعابیر ارائه شده از آن در رویه قضایی می‌پردازیم.

۲-۱. واژه‌شناسی

به استناد فرهنگ لغت اکسفورد، ریشه واژه عقلایی به کلمه فرانسوی *Raisnable* برگرفته از واژه لاتین *Rationabilis (rational)* بوده و به معنای منصفانه، عاقلانه، عملی، قابل قبول، مناسب و متعادل است. ریشه لاتین نیز از واژه *ratio (Reason)* مشتق شده است. کلمه *Reason* در صورت کاربرد به عنوان اسم به معنای سبب، توضیح یا توجیه برای شرح چرایی یک عمل یا واقعه، عقل، استدلال و جهت است و در صورت کاربرد به عنوان فعل، به معنای دلیل آوردن و تعقل است. در این خصوص اظهارات جان لاک قابل توجه است. وی می‌گوید: «واژه *Reason* در زبان انگلیسی معانی متفاوتی دارد و «گاهی برای اصول روشن، گاهی برای استنباط‌های واضح و معقول از آن اصول و در مواردی به معنای اسباب و به‌ویژه سبب نهایی به کار می‌رود».

(Locke, 1996: 312-313)

فرهنگ لغت کولینز عقلایی بودن را به عنوان منصفانه، عادلانه، درست، قابل قبول، متعادل، موجه، خردمندانه و عقلانی تعریف می‌کند. عقلایی بودن به معنای رویکردی است که از نظر یک انسان متعارف، قابل قبول و موجه است. (Collins COBUILD Dictionary, 2006:1192-1193)

در زمینه حقوق اداری، عقلایی بودن بیشتر به معنی منصفانه، متعادل و موجه است. با این توضیح که تصمیم یا عملی عقلایی است که دارای دلایل متقاعد کننده و مرتبط با وضعیت خاص است. (Farulla, Airo, 2007:214)

از الزامات عقلایی بودن، عقلانیت است. در نظام حقوقی انگلیس، غیر عقلانیت به جای غیر عقلایی بودن به کار رفته است و مترادف تلقی می‌شوند؛ اما گاه میان این دو مفهوم قائل به تمایز هستند. برخی مفسران عقلانیت را به طور مضیق به تفکر وسیله - هدف اطلاق می‌کنند. (بیکس، ۱۳۸۹: ۲۴۴)

در این صورت فقط به رابطه ابزار و هدف توجه می‌شود و ابزارهایی که ما را به هدف می‌رسانند، بررسی می‌شوند. (اصغری، ۱۳۸۶: ۲۱۶) از نظر رالز افراد در پیوند با یکدیگر معقول هستند و افراد معقول تأثیر کنش‌های خود را بر بهزیستی دیگران مدنظر قرار می‌دهند. گرایش به معقولیت با فعالیت به گونه‌ای اخلاقی مربوط است. در حقیقت، خواسته اشخاص معقول، زیستن در جامعه‌ای مبتنی بر تعامل و همکاری میان افراد آزاد و برابر، بر پایه شرایط مورد قبول همگان است، اما کارکرد امر عقلانی، ارزیابی چگونگی پذیرش اهداف و منافع ویژه و نحوه تقدم بخشی به آن‌ها و گزینش ابزار است. به بیان دیگر، هدف این رویکرد گزینش کارآمدترین ابزارها برای دستیابی به اهداف یا گزینش ممکن‌ترین گزینه در شرایطی است که دیگر عوامل یکسان هستند. (رالز، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۵)

امر عقلانی مستلزم وجود ارتباط منطقی میان مقدمات و نتیجه - یعنی میان مدارک و مستندات موجود نزد مقام تصمیم گیرنده و تصمیم اتخاذ شده - است. (Pillay, 2011:104) عقلانیت سه جز دارد که عبارت‌اند از: منطق، تفکر وسیله / هدف و حقیقت تجربی یا قابلیت اعتماد؛ ولی عقلایی بودن مربوط به شیوه درست زندگی کردن و آنچه برای انسان خوب و یا بد انگاشته می‌شود، مربوط می‌شود. (Alexy, 2009: 5) عقلایی قلمداد شدن، یک تصمیم منوط به عقلانی و اخلاقی بودن آن به صورت توأمان است. علاوه بر این، عقلایی بودن در یک زمینه خاص، مستلزم هماهنگی تصمیم با ایده‌ها و هنجارهای حاکم در آن زمینه است. (Sartor, 2009:19)

در فقه نیز گفته شده که غیر عقلانی بودن به معنای تعارض عمل اداری با حکم عقل است؛ ولی منظور از غیر عقلایی بودن، تعارض عمل اداری با عرف و بنای عقلا است. «بنای عقلا، عملی خارجی و مسبوق به مصلحت و ملاحظه آن است و با تکرار عمل حاصل می‌آید و حال آنکه حکم عقل، استنتاجی عقلی و مجرد از ملاحظه مصلحت است و حصول آن، به عمل ارتباطی ندارد». (نجابت‌خواه، ۱۳۹۱: ۸۳)

۲-۲. تعریف در آیینۀ رویه قضایی

در نظام حقوقی انگلستان، حمایت از حکومت غیر خودسرانه و معقول به دوران قبل از ورود دموکراسی نمایندگی مدرن برمی‌گردد و خاستگاه آن، تصمیمات شعبۀ دادگاه شاهی است. (Laws, 1998:190) سه پرونده برای شناسایی اصل غیر عقلایی بودن به عنوان یکی از جهات نظارت قضایی حائز اهمیت است: پروندۀ کروز علیه جانسون، پروندۀ ونزبری و دعوای شورای اتحادیه‌های خدمات شهری علیه وزیر خدمات شهری. این نظریه اغلب با توجه به اهمیت پروندۀ ونزبری در این خصوص، به اصل ونزبری، غیر عقلایی بودن ونزبری یا دلیل ونزبری موسوم گشته است. (Wade & Forsyth, 2004:353)

۲-۳. پروندۀ کروز علیه جانسون^۱

در این پرونده، آیین‌نامه حکومت محلی با استناد به اصل غیر عقلایی بودن مورد ایراد قرار گرفت. آیین‌نامه مذکور مربوط به جرم آواز خواندن در اماکن عمومی یا بزرگراه‌ها در فاصلۀ حدود ۵۰ یاردی از مناطق مسکونی بوده است. بنا به نظر «لرد راسل»، قضات دادگاه‌ها ملزم به تفسیر آیین‌نامه‌های صادره از سوی مقامات عمومی از روی حسن نیت است؛ اگرچه این مقررات به علت غیر عقلایی بودن قابل نقض هستند. (Jowell & Lester, 1998:865)

وی مقرر می‌دارد که: «آیین‌نامه‌ای غیر عقلایی قلمداد می‌شود که اثر جانب‌دارانه^۲ و نابرابری نسبت به گروه‌های مختلف داشته باشند، آشکارا ناعادلانه یا مبتنی بر سوء نیت و مستلزم نقض جدی و نامتعارف حقوق مشمولان باشد به نحوی که هیچ توجیهی در اذهان افراد متعارف نداشته باشد.» به باور ایشان، یک آیین‌نامه به صرف تفاوت و تعارض داشتن با دیدگاه قضات، غیر عقلایی محسوب نمی‌شود. به بیان دیگر، در بررسی اعتراضات مطرح شده بر پایه غیر

1. Kruse v. Johanson [1898] 2 QB 91.

2. Partiality.

عقلایی بودن، باید میان شایستگی^۱ تصمیم و قانونی بودن آن تفکیک قائل شد. ارزیابی شایستگی تصمیم مبتنی بر پاسخ مقام ناظر به این پرسش است که آیا تصمیم صادره در حقیقت همان تصمیمی است که من نیز آن را اتخاذ می‌کردم؟ درحالی که ارزیابی قانونی بودن تصمیم، پاسخ به این سؤال است که آیا یک مقام متعارف در شرایط مشابه، همان تصمیم را اتخاذ می‌کرده است یا خیر؟ (فنازاد، ۱۳۹۱: ۱۹۶-۱۹۷)

۲-۴. پرونده و نزبری^۲

در این پرونده - خواهان که یک شرکت سینمایی بود - محدودیت ایجاد شده از سوی مؤسسه و نزبری را به چالش کشید. مؤسسه و نزبری بر اساس قانون^۳، به شرکت سینمایی مجوز فعالیت در روزهای یکشنبه را مشروط به وارد نشدن کودکان زیر ۱۵ سال اعطا نموده بود. خواهان این شرط را غیر عقلایی می‌دانست. در این پرونده، غیر عقلایی بودن در دو معنای موسع و مضیق به کار رفته است. از نظر لرد گرین، حقوقدانان تمایل دارند که واژه غیر عقلایی را برای هر نوع اجرای غیرقانونی صلاحیت اختیاری به کار گیرند. معنای موسع این اصل، متشکل از دلایل مختلف نظارت از قبیل ابتدای تصمیم بر ملاحظات غیر مرتبط، عمل با اهداف ناشایست یا سوءنیت و ... است. طبق معنای مضیق، تصمیمی که هیچ مقام عمومی عاقل و متعارفی اتخاذ نکند، غیر عقلایی است.

در واقع، معنای موسع غیر عقلایی بودن به عنوان یک عنوان عام برای انواع خطاهایی که معمولاً تحت عنوان خروج از صلاحیت مورد بررسی واقع می‌شوند به کار می‌رود. معنای دوم برای تصمیماتی اعمال می‌شود که بر اساس اسباب معمول خروج از صلاحیت قابل نظارت نیستند (Carroll, 2009: 333-334) هدف از غیر عقلایی بودن در معنای خاص این است که به عنوان یک پشتوانه برای نقض تصمیمات نامعقولی به کار رود که تحت هیچ یک از اسباب دیگر نظارت قضایی قابل ابطال نیستند. (Sidebotham, 2001) دغدغه این معیار، جلوگیری از مداخله قضایی در قلمرو اجرایی و تقنینی است. (Pillay, 2011:98)

در مقابل مفهوم عام غیر عقلایی بودن قلمرو وسیعی دارد و معیارهای چندگانه‌ای را در برمی‌گیرد. در نتیجه قابلیت زیادی به قضات برای نقض تصمیمات خودسرانه مقامات عمومی اعطا می‌کند.

1. Merits.

2. Associated Provincial Picture Houses Ltd v. Wednesbury Corporation [1948] 1 KB 223.

3. Sunday Entertainments Act, 1932.

۲-۵. پرونده شورای اتحادیه‌های خدمات شهری علیه وزیر خدمات شهری^۱

«لرد دیپلاک» در این پرونده تلاش کرد تبیین بهتری از دلایل نظارت قضایی ارائه دهد. وی تصمیمی را غیر عقلایی می‌داند که چنان معیارهای منطقی یا اخلاقی پذیرفته شده را نادیده می‌گیرد که هیچ مقام عاقل و متعارفی چنین تصمیمی را اتخاذ نمی‌نماید. لرد دیپلاک واژه غیر عقلانیت را بر غیر عقلایی بودن ترجیح می‌دهد. غیر عقلانیت اغلب به معنی فقدان دلیل است. واژه‌های خودسرانه و بوالهوسانه نیز گاهی مترادف با غیر عقلایی بودن، به کار می‌روند. در برخی پرونده‌ها این واژه به سطحی و سبکسرانه^۲ یا عمل بی‌دلیل^۳ ترجمه شده است. به نظر می‌رسد از آنجا که پرسش واقعی همواره این بوده است که آیا اختیار قانونی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است یا خیر، معنای تمامی این اصطلاحات یکسان است. (Wade & Forsyth, 2004: 354)

۳. بازتعریف اصل

اصل غیر عقلایی بودن به یکی از شالوده‌های حقوق اداری مدرن در انگلستان تبدیل شده است. انعطاف این معیار به بقای آن کمک کرده است (Craig, 2003: 565) دادگاه‌ها این معیار را به نحوی شکل داده‌اند که استانداردهای مختلف را بسته به موضوع پذیرفته‌اند. لرد کوک معیار ونزبری را به گونه‌ای تدوین نمود که مانع بلند وضع شده از سوی لرد گرین را کوتاه‌تر می‌ساخت. پرسش مطرح شده از سوی وی این بود که آیا تصمیم مورد نظر، تصمیمی عقلایی است که یک مقام متعارف با توجه به واقعیات موجود، آن را اتخاذ نماید یا خیر؟^۴ معیار اعمال شده توسط لرد کوک، عبارت‌پردازی جدیدی از اصل ونزبری سنتی است. بر این اساس اصل عقلایی بودن باید با انعطاف و متناسب با زمینه اعمال شود (Laws, 1998: 201) زمینه شامل ماهیت، هدف و چارچوب قانونی است. (Fordham, 2007: 268)

در سال‌های اخیر، دادگاه‌ها با وجود وفاداری به بیان پرونده ونزبری، به نحو قابل ملاحظه‌ای استانداردهای مختلف را پذیرفته‌اند.^۵ غیر عقلایی بودن ساختاری کلی شده است که نه فقط نامعقول بودن صرف یا بوالهوسانه بودن را تحت پوشش قرار می‌دهد، بلکه شامل انگیزه‌ها و اهداف نامشروع، ملاحظات نامرتبط، انحراف از قانون، اشتباه موضوعی، تکلیف به

1. Council of Civil Service Unions v. Minister for the Civil Service [1985] AC 374.

2. Frivolous.

3. Vexatious.

4. R v. Chief Constable of Sussex. Ex p International Trader's Ferry Ltd [1999] 1 All ER 129.

5. R v. Secretary of State for Home Department, ex p. Brind [1991] 1 AC 696.

تحقیق و بررسی مدارک موجود و ارزش گذاری نامناسب میان ملاحظات مرتبط نیز می شود. نقطه اشتراک تمامی این موارد این است که صلاحیت های اختیاری باید در قلمرو واقعی قانون اعمال شوند. (Peiris, 1987: 56)

۴. انواع تصمیمات غیر عقلایی

برای تبیین بهتر تصمیمات غیر عقلایی، دسته بندی بیان شده در کتاب «نظارت قضایی دی اسمیت»^۱ ملاک قرار می گیرد که در مقایسه با سایر منابع با تفصیل بیشتری به موضوع نظارت قضایی پرداخته است.^۲ بر این اساس، شاخصه های تصمیمات غیر عقلایی عبارت اند از: غیر عقلانیت یا فقدان ارتباط منطقی میان مدارک و تصمیم، غیر قطعیت یا ابهام شدید در استدلال تصمیم، ارزش گذاری نامناسب ملاحظات مرتبط، اتخاذ تصمیم بر اساس اشتباه یا بی توجهی به یک واقعیت مهم، نقض یکی از عناصر حاکمیت قانون مانند نقض انتظار مشروع، نقض اصل اعمال برابر قانون و نقض متجاوزانه حقوق شهروندان.

لازم به ذکر است که دیوان عدالت اداری تاکنون اصل غیر عقلایی بودن را به عنوان جهت مستقل نظارت بر اعمال و تصمیمات مقامات عمومی شناسایی نکرده است و این معیار صراحتاً مبنای استدلال قضات و دادرسان دیوان عدالت اداری قرار نگرفته است؛ اما برخی از آرای دیوان عدالت اداری قابلیت تفسیر در پرتو مفهوم عام اصل غیر عقلایی بودن را دارند. به فراخور بحث به این آرای دیوان عدالت اداری اشاره می شود.

۵. فرآیند غیر عقلایی

در این فرآیند بر کیفیت استدلالی که اساس تصمیم است و نیز به ارزش داده شده به عوامل مرتبط یا بر شیوه اتخاذ و توجیه تصمیم تمرکز می شود. (Woolf, 2007: 556) نقص در فرآیند این موارد را در بر می گیرد:

۵-۱. نامتعادل بودن آشکار میان ملاحظات مرتبط

بر اساس این معیار، تصمیمی معقول است که در اتخاذ آن، همه عوامل و مسائل مرتبط در نظر گرفته شود و از توجه به موضوعات غیر مرتبط با تصمیم اجتناب شود. همچنین مقامات

1. De Smith's Judicial Review.

۲. کتاب نظارت قضایی دی اسمیت در سال ۱۹۵۹ توسط استنلی دی اسمیت منتشر شد. بعد از فوت نویسنده در سال ۱۹۷۴، کتاب مذکور از سوی استادان مطرح حقوق اداری در چندین نوبت مورد ویرایش قرار گرفته و تجدید چاپ شده است.

عمومی باید میان موضوعات مربوط به تصمیم، تعادل را برقرار سازند. در واقع جوهره عقلایی بودن برقراری تعادل است (Alexy, 2007: 8) عقلایی بودن مستلزم این است که در مرحله اول، همه دلایلی که به اتخاذ تصمیم مرتبط هستند، بررسی شوند و در مرحله دوم، میان آنها بر اساس ارزش یا اهمیت نسبی شان به شیوه‌ای زمینه محور^۱ تعادل برقرار شود. کِنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح نباشد- به ادعاهای نامتعادلی به عنوان یک مسئله غیر عقلایی می‌نگرند: یعنی تصمیم مورد ایراد به علت ارزش آشکارا افراطی یا ناکافی که به یک ملاحظه مرتبط داده، آن‌گونه غیر عقلایی است که هیچ مقام معقولی آن را اتخاذ نمی‌کند (Woolf, 2007: 577) معمولاً ارزشی که به یک ملاحظه خاص در یک پرونده داده می‌شود به ماهیت دیگر ملاحظات موجود در پرونده بستگی دارد. معیار ملاحظات غیر مرتبط در پرونده‌های زیادی اعمال شده است.^۲ این نظریه به‌طور معمول به تفسیر قانون مربوط است، اما همواره مجموعه‌ای از ملاحظات وجود دارند که در قانون بیان نشده‌اند. تعیین این ملاحظات بر عهده مقام عمومی است (Craig, 2013:6) در پرونده Tesco Stores مقرر شد که اگرچه ارزش‌گذاری ملاحظات در صلاحیت مقام تصمیم‌گیرنده است؛ اما بر اساس معیار عقلایی بودن قابل نظارت است.^۳

مثال ارزش‌گذاری نامناسب ملاحظات مرتبط در ایران، پرونده مربوط به شکایت علیه گمرک در اعتراض به حکم اداری صادره از مدیر کل امور اداری گمرک ایران مبنی بر تغییر محل جغرافیایی خدمت مستخدم است. خواهان دعوا معاون اداری و مالی گمرک خسروی بوده که با رئیس گمرک به صورت فیزیکی درگیر می‌شود و پرونده‌ای در این خصوص در مراجع قضایی تشکیل می‌شود. ستاد مرکزی گمرک ایران به منظور جلوگیری از هرگونه تشنج و درگیری احتمالی تا تعیین تکلیف و اعلام نظر مراجع ذی‌ربط، تصمیم به انتقال موقت خواهان از استان کرمانشاه به استان لرستان می‌گیرد. شعبه سیزده دیوان مقرر داشت که تغییر محل خدمت به تقاضا یا بنا به مقتضیات اداری در صورت وجود شرایط لازم از اختیارات مدیریت است، اما تغییر محل

1. Context-Dependent.

2. R v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs ex p. World Development Movement Ltd. [1995] 1 WLR 386; Cannock Chase District Council v. Kelly [1978] 1 WLR 1, R (Bancourt) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs [2008] UKHL 61, R v. Secretary of State for Health, ex p. Wagstaff [2001] 1 WLR 292, R (O) v. London Borough of Hammersmith and Fulham [2011] EWHC 679, R v. Lord Saville of Newdigate, ex p. A [1999] 4 ALL ER 860, R (L (A Child)) v. J School Governors [2003] UKHL 9, R (AA(Afghanistan)) v. Secretary of State for the Home Department [2006] EWCA Civ. 1550.

3. Tesco Stores Ltd v. Secretary of State for the Environment [1995] 1 WLR 759.

خدمت به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری در زمره مجازات اداری است و اعمال آن منوط به صدور رأی قطعی از طرف هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است؛ بنابراین، با توجه به قانون مذکور، مدیریت گمرک نمی‌تواند به منظور تنبیه کارمند متخلف اقدام به تغییر محل خدمت وی نماید.^۱ این رأی در پرتو اصل ارتباط و برقراری تعادل منصفانه میان ملاحظات مرتبط رقیب قابل تحلیل است. مقام اداری برای اتخاذ تصمیم عقلایی باید همه ملاحظات مرتبط را در نظر بگیرد و ارزش مناسبی برای آن‌ها در نظر بگیرد. در این مورد به نظر می‌رسد ستاد مرکزی گمرک ایران، ارزش بیش از حدی به یک ملاحظه یعنی جلوگیری از تشنج و درگیری داده و سایر ملاحظات مرتبط از قبیل دلایل درگیری، تکرار و تعدد آن، سابقه خواهان را لحاظ ننموده که منجر به سوء استفاده از اختیار و تصمیمی غیرقانونی شده است. علاوه بر این رأی، بررسی آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که در مواردی ابتدای تصمیم مقام اداری بر ملاحظات غیر مرتبط به صورت غیرمستقیم برای ابطال عمل اداری بوده است. از جمله این موارد، پرونده اعتراض به تصویب‌نامه هیئت وزیران با موضوع تعیین کارمزد برای مؤسسات تولیدی بر اساس میزان سرمایه بود. دیوان مقرر کرد که قانون به مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، اجازه دریافت کارمزد متناسب را در قبال ارائه خدمات ذکر شده در قانون داده است؛ بنابراین تعیین کارمزد بر اساس عواملی از قبیل میزان سرمایه مورد نظر مقنن نیست.^۲ پرونده دیگر مربوط به خواسته ابطال بخشی از مصوبه هیئت وزیران در رابطه با ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت بود. در این قانون آمده: «دولت موظف است اعتباری را که هر ساله برای پرداخت عیدی به کارکنان خود، تخصیص می‌دهد، به طور مساوی به کلیه کارکنان خود پرداخت نماید...» اما هیئت دولت طی یک مصوبه پرداخت عیدی را مشروط به رضایت از خدمات کارکنان کرده بود. دیوان مقید کردن پرداخت کمک مزبور به کارکنان دولت را، مغایر هدف و حکم مقنن دانست و آن را باطل کرد.^۳

در بحث عوامل و ملاحظات مرتبط در انجام تکالیف از سوی مقام عمومی، یکی از سؤالات مهم این است که آیا کمبود منابع دلیل موجهی برای اجرا نکردن صلاحیت‌ها است. به عنوان قاعده کلی، کمبود (فقدان) منابع به عنوان دلیل مرتبطی برای اجرا نشدن یک تکلیف

۱. رأی شماره ۲۱۱۹۷ شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۹/۶/۳۱ درخصوص شکایت شاکی علیه گمرک ایران به خواسته اعتراض به حکم اداری به شماره ۸۲/۸۱۵/۵۶۹۳/۱۰/۵۹۵۷۲ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۲ صادره از مدیرکل امور اداری گمرک ایران مبنی بر تغییر محل جغرافیایی خدمت و تقاضای ابطال آن.

۲. رأی شماره ۲۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ در رابطه با ابطال تصویب‌نامه شماره ۱۵۰۵۴۴/ت ۵۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ هیئت وزیران.

۳. رأی شماره ۳۷۹ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۰ به خواسته ابطال قسمتی از بند یک مصوبه شماره ۵۹۹۶۲/ت ۳۰۵۱ هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۸.

قانونی تلقی نمی‌شود. دادگاه لردان این امر را در پرونده‌ای بیان کرد که تکلیف مقام محلی، تدارک آموزش مناسب و متناسب با سن شاگردان، استعداد و نیازهای آموزشی آن‌ها و به صورت تمام یا پاره‌وقت بود.^۱ دادگاه مقرر داشت که بر اساس این قانون، استاندارد مناسب بودن باید صرفاً بر اساس ملاحظات آموزشی تعیین شود. این مسئله دلیل نقض برخی تصمیمات مقامات عمومی در دیوان عدالت اداری بوده است. در یک پرونده وزارت امور اقتصادی و دارایی با ادعای نداشتن بودجه برای استخدام اقدام به برکناری برخی از کارمندان قراردادی خود کرد. کارمندان به قانون بودجه سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳ اشاره می‌کردند که اجازه استخدام سه هزار و پانصد نفر را با احتساب کارمندان قراردادی به وزارتخانه مذکور داده بود. دیوان با استناد به همین قوانین جذب نکردن کارمندان قراردادی را با ادعای حذف بودجه پیشنهادی خلاف قانون دانست.^۲ در پرونده دیگری، خواهان با استناد به قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی که تأمین ۱۰۰ درصد هزینه بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آن‌ها را بر عهده دولت گذاشته، تقاضای ابطال بخشنامه معاون طرح‌ها و برنامه‌های قوه قضاییه را مطرح کرده است. در این بخشنامه مقرر شده که به علت تأمین نشدن اعتبار، تکلیف مذکور قابل اجرا نیست. دیوان مقرر داشت که اجرای حکم مقنن، مشروط به تأمین اعتبار نشده است، لذا مفاد بخشنامه معاون طرح‌ها و برنامه‌های قوه قضاییه که اجرای حکم قانون‌گذار را منوط به تأمین اعتبار کرده است، مغایر صریح قانون و خارج از حدود اختیارات معاون طرح‌ها و برنامه‌های قوه قضاییه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود.^۳

۲-۵. تصمیمات آشکارا غیرمنطقی یا خودسرانه

عمل اداری عقلایی، اقدام یا تصمیمی است که به شیوه‌ای منطقی و با لحاظ مدارک و اطلاعات مقام تصمیم‌گیرنده اتخاذ شود. (Phadime, 2007:3) دلایل باید قابل فهم بوده و به صورت عقلانی به مدارک پرونده مربوط شوند و جامع باشند.^۴ تصمیمات بی‌منطق که دلایل

1. R v. East Sussex County Court ex p. Tandy [1998]

۲. رأی شماره ۲۴۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص استخدام کارمندان قراردادی وزارت امور اقتصادی و دارایی مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۰.

۳. رأی شماره ۱۸۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۸۶/۳/۲۰ در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۲۶۱۴/۲۶۰۲/۱۶۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۷ معاون طرح‌ها و برنامه‌های قوه قضاییه.

4. R v. Hammersmith and Fulham LBC Ex p. Earls Court Ltd, The Times, September 7, 1993.

کافی یا قابل فهمی ندارند و یا مدرک عقلانی ندارند. نمونه‌هایی از این تصمیمات غیر عقلایی مواردی هستند که ارتباط منطقی میان مدارک و دلایل آشکار تصمیم وجود ندارد، دلایل، توجیه کافی برای تصمیم ارائه نمی‌دهند یا مدرکی برای حمایت از تصمیم موجود نیست.^۱ گاهی ممکن است غیر عقلانیت از فقدان دلیل استنباط شود.^۲ دلایل تصمیم نباید متناقض باشند. تصمیمات مبتنی بر شانس، حدس‌های کورکورانه، عادت یا پیش‌داوری، خودسرانه و نامعقول تلقی می‌شوند.^۳

در این رابطه به دو رأی دیوان عدالت اداری می‌پردازیم که ارائه دلیل و مدارک و توجیه را در آرای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ملزم می‌کنند. شعبه اول دیوان عدالت اداری^۴ در رسیدگی به پرونده‌ای با موضوع اعتراض به حکم بازخریدی از سوی هیئت‌های بازسازی آموزش و پرورش، ارائه نکردن دلیل برای اثبات اتهامات را از دلایل نقض تصمیم هیئت بدوی و تجدیدنظر ذکر می‌کند و مقرر می‌دارد که رأی هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر باید مدلل و موجه و مستند به مواد قانون باشد. همچنین هیئت عمومی دیوان در رأی وحدت رویه^۵ در مورد مستدل بودن آرای صادره از شعب دیوان مقرر می‌دارد که آرای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری باید موجه و متکی به دلایل و مدارک معتبر و متقن باشد.

۳-۵. عدم قطعیت

عدم قطعیت ممکن است اقدام مورد ایراد را غیر عقلایی و خارج از چارچوب قانون قرار دهد. (Moules, 2007:106) در پرونده کروز علیه جانسون بیان شد که اعتبار آیین‌نامه منوط به قطعیت آن است یعنی باید شامل اطلاعات کافی در رابطه با تکالیف مشمولانش باشد. (Moules, 2007:104) تردید درباره این که چه چیزی قصد شده؛ در نهایت به تصمیمی غیرقطعی و بی‌اعتبار منجر می‌شود. پس در صورتی که آیین‌نامه یا سند قانونی مصادیق ممنوعه را

1. R v. Parliamentary Commissioner for Administration Ex p. Balchin [1998] 1 P.L.R 1, 13.

2. Padfield v. Minister of Agriculture Fisheries and Food [1968] A.C. 997, Lonrho Plc v. Secretary of State for Trade and Industry [1989] 1 W.L.R., R v. Civil Service Appeal Board Ex p. Cunningham [1991] 4 All E.R 310.

3. R v. Lambeth LBC Ex p. Ashley [1997] 29 H.L.R 385, R v. Islington LBC Ex p. Hassan (1995) 27 H.L.R 485.

۴. رأی شماره ۱۸۶ شعبه اول دیوان عدالت اداری با موضوع اعتراض به حکم بازخریدی مورخ ۱۳۶۳/۲/۳۰.

۵. رأی وحدت رویه شماره ۱۰۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد مستدل بودن آراء صادره از شعب دیوان مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸.

دقیقاً بیان نکند، به علت عدم قطعیت، نامعتبر قلمداد می‌شود.^۱ صرف ابهام کافی نیست. در صورتی که عدم قطعیت موجب بی‌اعتباری است که هیچ معنای روشن و قابل تحقیقی فهمیده نشود یا چنان اثر مقرر نامشخص باشد که به صورت قطعی قابل اعمال نباشد.^۲ در انگلستان عدم قطعیت دلیل بی‌اعتباری شرایط مجوزهای ساخت‌وساز بسیاری بوده است.^۳

۴-۵. اشتباه موضوعی

اشتباه موضوعی در مواردی پیش می‌آید که مقام عمومی حکم قانونی را بر موضوعی بار کند که اصولاً در دایره شمول آن قرار نمی‌گیرد. (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۷۶) از آنجا که دادگاه‌ها در نظارت قضایی باید در مورد مطابقت با قانون و نه صحت حکم نظر دهند، معمولاً ارزیابی مقام عمومی از مدارک یا واقعیات را مورد بررسی مجدد قرار نمی‌دهند؛ چراکه تصمیم‌گیرنده اولیه در جایگاه بهتری برای ارزیابی صحیح واقعیات پرونده است؛ اما اتخاذ تصمیم بر اساس درک اشتباهی از واقعیت با اعمال جهت غیر عقلایی بودن با ارجاع به ملاحظات غیر مرتبط یا قصور از ارائه دلایل کافی و قابل فهم قابل ایراد است. (Woolf, 2007: 569) نظارت بر واقعیت در موارد زیر اجازه داده شده است:

(۱) در مواردی که وجود مجموعه‌ای از واقعیات پیش شرط اجرای یک اختیار است.^۴ اشتباه در مورد یک واقعیت مهم است. (۳) در مواردی که مدرک قابل توجهی برای حمایت از تصمیم ارائه نشده است. (Woolf, 2007: 564) در پرونده^۵ Tameside مقرر شد اگر وزیر یا مقام دیگر بر اساس یک واقعیت نادرست اقدام کرده باشد، دادگاه می‌تواند تصمیم وی را نقض کند. در پرونده^۶ E v. Secretary of State for the Home Department در رابطه با تقاضای پناهندگی مقرر شد: اشتباه موضوعی در صورت تحقق شرایط چهارگانه دلیل نقض تصمیم در نظارت قضایی است: اول اشتباه در رابطه با یک واقعیت موجود باشد. دوم، این واقعیت باید عینی و نه مورد اختلاف و بحث‌برانگیز باشد. سوم، خواهان یا وکلای وی نباید

1. Staden v. Tarjanyi (1980) 78 L.G.R 614 at 623 at 624; McEldowney v. Forde [1971] A.C. 632.

2. Percy v. Hall [1997] Q.B. 924

3. Fawcett Properties Ltd v. Buckingham CC [1961] A.C. 636; Hall v. Shoreham-by-Sea UDC [1964] 1 W.L.R 240; Mixnam's Properties Ltd v. Chertsey UDC [1964] 1 Q.B. 214; [1965] A.C. 735; Bizony v. Secretary of State for the Environment (1976) 239 E.G. 281

4. R v. Secretary of State for the Home Department ex p. Khawajah [1984] A.C. 74.

5. Secretary of State for Education & Science v. Tameside MBC [1977] A.C. 1014.

6. [2004] EWCA Civ. 49; [2004] Q.B. 1044

ایجاد کننده اشتباه باشند و چهارم، اشتباه باید نقش اساسی در استدلال تصمیم گیرنده بازی کند. این شرایط در پرونده R (Iran) v. Secretary of State for the Home Department نیز تأیید شد.

در آرای دیوان عدالت اداری نمونه‌هایی از نقض تصمیم بر مبنای اشتباه موضوعی قابل ملاحظه است. اداره کل امور مالیاتی اصفهان طی بخشنامه‌ای مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه را که اقدام به تشکیل مؤسسه نمایند، مشمول احکام مالیاتی مؤسسات غیر تجاری قلمداد نمود. دیوان مقرر کرد که بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم به نظر می‌رسد و کلا و مشاوران حقوقی وضعیت مالیاتی یکسانی دارند و صرف اعطاء عنوان مؤسسه به مشاوران حقوقی موجب تغییر ماهیت قانونی مشاوران حقوقی از جهت تشابه وضعیت با و کلا نمی‌شود.^۲ پرونده دیگری، مربوط به شرایط برخورداری از فوق‌العاده محل خدمت بود. بر اساس قانون استخدام کشوری، فوق‌العاده محل خدمت به مدت ۵ سال به مستخدمینی که محل جغرافیایی خدمت آن‌ها تغییر کند، پرداخت می‌شود. اما مستخدمینی که بنا به ضرورت و تشخیص وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول این قانون و شرکت‌های دولتی، بیش از پنج سال در نقاط محروم و بد آب و هوا خدمت نمایند، مشمول محدودیت زمانی ۵ سال نخواهند بود. شعبه چهاردهم دیوان با برداشت اشتباه بهیهان را جزو مناطق بد آب و هوا دانسته و حکم به استحقاق خواهان برای برخورداری از مزایای مذکور داد. اما شعبه هفدهم بدوی دیوان، حکمی مخالف صادر کرد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی وحدت رویه شماره ۵۴ نظر شعبه هفدهم را تأیید نمود.^۳

۶. نقض اصول قانون اساسی^۴ در مطالعات فرسنگی

در انگلستان گاهی تصمیم مقام عمومی به علت نقض اصول کامن لا یا قانون اساسی ابطال می‌شود. این اصول شامل: (۱) حاکمیت قانون با ارزش‌هایی چون دسترسی به عدالت و حق دادخواهی و (۲) برابری که مستلزم اتخاذ تصمیمات هماهنگ و منع تبعیض ناموجه یا نامنصفانه

1. [2005] EWCA Civ 982

۲. رأی شماره ۵۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۲ در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۳/۱۵۰۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۴ اداره کل امور مالیاتی اصفهان.

۳. رأی وحدت رویه شماره ۵۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۷۹/۲/۱۸ در خصوص اعلام تعارض از آراء صادره از شعب ۱۷ و ۱۴ دیوان.

4. The Violation of the Constitutional Principles

میان افراد است. از نظر دادگاه‌های انگلستان، صلاحیت اختیاری باید مطابق با این اصول اعمال شوند. (Woolf, 2007: 570)

۱-۶. ارزش‌های حاکمیت قانون

فصل مشترک مفاهیم و نظریه‌های حاکمیت قانون این است که استفاده خودسرانه از قدرت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مردود است. بر این اساس، حاکمان به عنوان حافظان قانون شناخته می‌شوند و خود نیز مشمول آن می‌گردند؛ میزان مشروعیت حکومت‌شان به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فرا شخصی و خردمندانه بستگی دارد (زارعی، ۱۳۸۰: ۵۷) حاکمیت قانون به عنوان یک محدودیت بر اجرای صلاح‌دید اداری در شرایط مختلف به شمار می‌آید. به عنوان یک اصل کلی و با ترویج ارزش‌های بنیادینی چون قانونیت، قطعیت، رعایت تشریفات قانونی و دسترسی به عدالت توجیه اساسی برای محدود کردن اجرای اختیار ارائه داده است. (Woolf, 2007: 570-571)

بسیاری از تصمیمات به دلیل نقض ارزش‌های حاکمیت قانون، غیر عقلایی اعلام شدند. برای مثال، مقام محلی که مجوز یک کلوب راگی را به علت سفر به آفریقای جنوبی در دوره آپارتاید ابطال کرد، حاکمیت قانون را نقض کرد؛ چراکه قراردادهای ورزشی با آفریقای جنوبی ممنوع نشده بود.^۱ بخشنامه وزیر که به رئیس زندان اجازه جلوگیری از مکاتبه زندانی با وکیل را می‌داد، به علت نقض حق دادخواهی زندانی باطل شد.^۲

۲-۶. اصل برابری

اصل برابری مستلزم این است که شهروندان فارغ از ویژگی‌های فردی خویش نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی تحت سیطره نظام حقوقی واحدی قرار گیرند. (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۱۷) امروزه واژه عدم تبعیض برای این مفهوم به کار می‌رود. (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۳۵) بر اساس این اصل، تمام کسانی که جرمی مرتکب می‌شوند یا تعهد و مسئولیتی بر عهده می‌گیرند و آن جرم و تکلیف، مستلزم مجازات و مسئولیت است باید در برابر قانون یکسان باشند (زارعی، ۱۳۸۷: ۳۴)؛ بنابراین در شرایط مشابه، شهروندان از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردار می‌شوند. (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) در صورتی ممکن است با وضعیت‌های مشابه، برخوردی

1. Wheeler v. Leicester City Council [1985] A.C. 1054.

2. R v. Secretary of State for the Home Department ex p. Leech (No.2) [1994] Q.B. 198.

متفاوت صورت گیرد که توجیهی عینی وجود داشته باشد.^۱ مهم ترین مصادیق این اصل در حقوق اداری، برابری در ورود به خدمت عمومی، برابری در خدمات عمومی و اداری، برابری در مقابل تحمیلات ناشی از امر عمومی است.

«کلسن» میان برابری در مقابل قانون (برابری شکلی) و برابری در قانون (برابری ماهوی) تمایز قائل می‌شود. برابری در قانون مربوط به نهادهایی است که تدوین و تصویب هنجارهای حقوقی را برعهده دارند. درحالی که برابری در مقابل قانون مربوط به نهادهایی است که وظیفه اعمال هنجارهای حقوقی بر دوش آنهاست (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۳۶). برابری شکلی مقامات را ملزم به اعمال یا اجرای قانون به صورت هماهنگ و بدون جانب‌داری می‌کند. این نوع از هماهنگی از جهت تأثیر بر ویژگی اساسی حاکمیت قانون یعنی قطعیت قانونی و پیش‌بینی پذیری اهمیت دارد. (Dicey, 1915: 120) تکلیف قانونی باید قابل پیش‌بینی و از قبل اعلام شده باشد تا افراد بتوانند در مورد اعمال خود برنامه‌ریزی کنند.^۲

در انگلستان مفهوم هماهنگی و برابری رفتار به عنوان یک ملاحظه مهم در اعطای مجوز ساخت و ساز است. بر این اساس در پرونده‌های با شرایط مشابه باید مجوز اعطا شود. در ایران نیز عدم رعایت برابری و اتخاذ تصمیمات تبعیض آمیز از سوی مقام اداری یکی از رایج ترین دلایل نقض تصمیمات اداری در دیوان عدالت اداری است که به دو نمونه اشاره می‌شود. دیوان عدالت اداری بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی که تحت عنوان اولویت‌های استخدامی، مدارک تحصیلی دانشگاه‌های دولتی را با ضریب ۱/۱ و مدارک تحصیلی سایر دانشگاه‌ها را با ضریب ۱ در معدل امتیازات آزمون کتبی و مصاحبه اعمال نموده است را به عنوان یکی از مصادیق تبعیض ناروا و مغایر با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی ابطال کرده است.^۳ هیئت عمومی دیوان در رأی دیگری^۴ بیان می‌کند که افراد در شرایط یکسان استحقاق برخورداری از امکانات مادی و معنوی یکسانی دارند و اعطاء هرگونه امتیاز بدون وجود علل موجه در صلاحیت قانون‌گذار است. در نتیجه بخشنامه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در رابطه با امکان انتقال فرزندان اساتید

1. R v. Secretary of State for Employment, ex parte Equal Opportunity Commission [1995] AC 1

2. R (on the application of Quark Fishing Ltd) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs [2001] EWHC 1174; [2002] EWCA Civ. 1409

۳. رأی شماره ۱۷۲ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوبه ۱۱۰۰/۳۱۵۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۵ سازمان تأمین اجتماعی

۴. رأی شماره ۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۴ در خصوص ابطال بخشنامه مورخ ۱۳۶۹/۷/۲ وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

دانشگاه‌ها از دانشگاه مبدأ به دانشگاه محل خدمت ولی را به علت عدم اتکای به جهات موجه و قانونی از مصادیق تبعیض ناروا است.

۷. تصمیمات ظالمانه

این عنوان به اثر و نتیجه تصمیم می‌پردازد. بر این اساس تصمیماتی که منجر به نقض شدید و غیر ضروری حق‌ها یا منافع افراد می‌شوند، غیر عقلایی هستند. تصمیماتی که در این دسته قرار می‌گیرند عمدتاً یا تحمیل‌کننده سختی و تکلیف نامتعارف به افراد هستند یا ناقض و تحدیدکننده حق‌ها و منافع افراد و یا تصمیمات غیر قابل اجرا می‌باشند. یک نمونه از تصمیمات غیر قابل اجرا در ایران، الزام دارندگان پروانه تأسیس دفاتر خدمات مسافرتی، سیاحتی، جهانگردی و زیارتی به کسب مدرک کارشناسی در مدت شش ماه به موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران است.^۱ شرط کسب مدرک کارشناسی در مدت کوتاه شش ماه از مواردی است که اجرای آن غیر ممکن است و تحمیل آن بر افراد موجب از دست دادن پروانه کسب و محرومیت‌های مالی می‌شود.

از موارد تحدید حقوق افراد در ایران مانند حق دادخواهی، بخشنامه فرمانده نیروی انتظامی بود که طرح دعوی از سوی رده‌های ناچا علیه یکدیگر را در مراجع دادگستری منع می‌کرد. هیئت عمومی دیوان با ارجاع به قانون اساسی، بخشنامه مذکور را که موجب محرومیت آن‌ها از دادخواهی به مراجع قضایی به منظور احقاق حق می‌شد، باطل نمود.^۲ در مورد مشابه، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه خود، احکام نهائی صادر شده توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی و کمیته انضباطی دانشگاه‌ها را قطعی و غیر قابل شکایت در دیوان عدالت اداری اعلام کرد. دیوان تصریح کرد که شورای مذکور حق وضع مقررات مغایر قانون اساسی از جمله سلب حق رسیدگی به شکایات توسط مراجع قضایی و نفی صلاحیت آنان را ندارد.^۳

از دیگر مصادیق تصمیمات غیر عقلایی، تصمیماتی هستند که باعث مداخله غیر ضروری در حقوق مالکانه افراد می‌شوند. در انگلستان شرطی که دارنده مجوز را ملزم به اختصاص بخشی

۱. رأی شماره ۵۶۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ در خصوص ابطال قسمت ششم از بند پ ماده ۴ فصل دوم و مواد ۲۲ و ۲۶ تصویب‌نامه شماره ۱۴۴۰۴/ت/۲۲۰۳ مورخ ۱۳۸۰/۴/۵ هیئت وزیران

۲. رأی شماره ۴۲۳ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۱۱/۵/۹ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۵ فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران شماره ه/۴۱۸/۸۴.

۳. رأی شماره ۲۹۷ الی ۳۰۰ هیئت عمومی مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ در مورد ابطال مصوبه هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۱ و چهارصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

از زمینش برای استفاده عمومی می نمود، غیر عقلایی اعلام شد.^۱ به همین ترتیب، الزام به ساخت مسکن با استانداردها و اجاره‌های مقام محلی و انتخاب مستأجرها از لیست انتظار این مقام، غیر عقلایی دانسته شد.^۲ همچنین در پرونده‌ای مقرر گردید در صورتی که امکان تصاحب ارادی زمین مناسب وجود دارد، نمی توان اختیار خرید اجباری زمین را اعمال کرد.^۳ در آرای دیوان عدالت اداری نیز به کرات به سلب مالکیت مشروع برای نقض تصمیمات مقام اداری استناد شده است. از جمله در یک رأی^۴ مقرر شد که الزام متقاضیان تفکیک و افراز اراضی به واگذاری ۵ تا ۱۰٪ از اراضی خود به شهرداری به صورت وقف جهت تأمین تأسیسات عمومی از مصادیق سلب مالکیت مشروع اشخاص و خلاف قوانین موضوعه در باب اصل تسلیط در این زمینه است. همچنین در رأی دیگری هیئت عمومی دیوان، مصوبه مورد اعتراض را با این دلیل که هرگونه اقدام به تفکیک و افراز اراضی که موکول به اخذ مجانی قسمتی از زمین گردیده باشد، خلاف اصل تسلیط و مالکیت مشروع و قوانین مربوط به نحوه تملک اراضی و املاک اشخاص است، باطل کرد.^۵

۸. نتیجه

اصل غیر عقلایی بودن یکی از دلایل ماهوی نظارت قضایی در نظام کامن لا است که به علت منعطف بودن و برخوردار بودن از گستره وسیع، پاسخگوی الزامات حاکمیت قانون در جهت جلوگیری از اجرای صلاحیت‌های اختیاری به صورت خودسرانه، غیرمنطقی و غیر عقلایی است. تصمیمات بسیاری با بهره‌گیری از مفهوم عام این اصل غیر عقلایی شناخته و نقض شده‌اند. طبق رویه قضایی انگلستان تصمیماتی که فاقد ارتباط منطقی با دلایل و مدارک ادعا شده هستند، تصمیماتی که دچار ابهام شدید هستند که دایره شمول و تکلیف مشمولان آن مشخص نیست، تصمیماتی که بر اساس ارزش گذاری نامناسب مقام عمومی از ملاحظات مرتبط یا درک اشتباه از یک واقعه اتخاذ شده‌اند، اقدامات مقامات عمومی که منجر به نقض شدید

1. Hall & Co. Ltd v. Shoreham-by-Sea UDC [1964] 1 W.L.R 240.

2. R v. North Hertfordshire DC Ex p. Cobbold [1985] 3 All E.R 486, R v. Barnett LBC Johnson (1989) 89 L.G.R 581

3. Brown v. Secretary of State for the Environment (1978) 40 P. & C.R 285

۴. رأی شماره ۲۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۴ در خصوص ابطال مصوبه طرح جامع شهر تبریز مبنی بر وقف نمودن ۵ تا ۱۰٪ از زمین متقاضی تفکیک زمین به شهرداری.

۵. رأی شماره ۴۷۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ با موضوع سلب مالکیت مشروع اشخاص و یا الزام آنان به واگذاری قسمتی از زمین به طور رایگان و یا پرداخت قیمت معادل آن به منظور تفکیک آن‌ها.

حق‌های افراد می‌شود با استناد به این اصل قابل بررسی و نقض می‌باشند. غیر عقلایی بودن مفهومی پویا است. لیست شاخصه‌های غیر عقلایی بودن بسته به تغییر در نگرش‌های قضایی و اجتماعی در جهت گسترش و شدت نظارت یا تمکین بیشتر به نظر مقامات اداری قابلیت تغییر دارد که همین ویژگی، امکان بقای این اصل را در طول سالیان فراهم کرده است.

در ایران از میان اصول مدرن نظارت قضایی، تنها اصل قانونی بودن شناسایی شده است. قضات دیوان صلاحیت‌های مقامات عمومی را تنها با محک این اصل مورد بررسی قرار می‌دهند. در این میان، مطالعه و تحلیل برخی قضایای مطروحه در دیوان عدالت اداری ایران نشان می‌دهد که گرچه تاکنون اصل غیر عقلایی بودن صراحتاً مبنای استدلال قضات و دادرسان این مرجع نبوده است، اما با عنایت به دلالت تلویحی برخی از استدلالات انجام شده در قضایای مربوطه می‌توان ردپای مفهوم عام اصل غیر عقلایی بودن را در آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مشاهده نمود. در موارد زیادی به اصل برابری و منع تبعیض استناد داده شده است. همچنین سلب مالکیت مشروع و نقض اصل تسلیط و نفی حق دادخواهی از دلایل ابطال تصمیم بوده است. برخی از تصمیمات نیز قابلیت تفسیر بر اساس معیار توجه به مسائل غیر مرتبط و ارزش‌گذاری نامناسب به ملاحظات مرتبط را دارند. در صورت پذیرفته شدن اصل غیر عقلایی بودن که از دامنه وسیع برخوردار است و معیارهای مختلفی را در برمی‌گیرد و قابلیت اعمال بسته به زمینه را دارد، قضات دیوان عدالت اداری این امکان را می‌یابند که در جلوگیری از اقدامات سلیقه‌ای دولت و نقض حقوق شهروندان نقش قوی‌تری ایفا نمایند.

منابع

الف) فارسی

کتاب‌ها

- اصغری، محمد، (۱۳۸۶)، *عدالت و عقلانیت*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بیکنس، برایان، (۱۳۸۹)، *فرهنگ نظریه حقوقی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.
- رالز، جان، (۱۳۹۲)، *لیبرالیسم سیاسی*، ترجمه موسی اکرمی، تهران: نشر ثالث.
- شیرزاد، امید، (۱۳۹۲)، *دلایل ابطال مصوبات دولتی در دیوان عدالت اداری*، تهران: نشر جنگل.
- هداوند، مهدی، مهدی، علی، (۱۳۹۱)، *اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)*، چاپ دوم، تهران: خرسندی.

مقالات

- زارعی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، «امنیت قضایی به مثابه حق»، *مجلس و پژوهش*، سال ۱۴، شماره ۵۶.
- زارعی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، «حاکمیت قانون در اندیشه‌های سیاسی و حقوقی»، نامه مفید، شماره ۲۶.
- ویژه، محمدرضا، (۱۳۸۳)، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، *نشریه حقوق اساسی*، سال ۲، شماره ۲.

رساله‌ها

- فنازاد، رضا، (۱۳۹۱)، *صلاحیت اختیاری و حاکمیت قانون*، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجابت خواه، مرتضی، (۱۳۹۱)، *روش‌های جبران قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان*، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

آرای دیوان عدالت اداری

- رأی شماره ۲۹۷ الی ۳۰۰ هیئت عمومی مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ در مورد ابطال مصوبه هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۱ و چهارصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- رأی شماره ۵۲۹ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال آیین نامه شماره ۳/۱۵۰۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۴ اداره کل امور مالیاتی اصفهان.
- رأی شماره ۱۶ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بخشنامه مورخ ۱۳۶۹/۷/۲ وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- رأی شماره ۱۷۲ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوبه ۱۱۰۰/۳۱۵۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۵ سازمان تأمین اجتماعی.
- رأی شماره ۴۲۳ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال آیین نامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۱۱/۵/۹ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۵.
- رأی شماره ۲۴۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص استخدام کارمندان قراردادی وزارت امور اقتصادی و دارایی مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۰.
- رأی شماره ۳۷۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۰ به خواسته ابطال قسمتی از بند یک مصوبه شماره ۵۹۹۶۲/ت/۳۰۰۵۱ هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۸.
- رأی شماره ۲۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۴ در خصوص ابطال مصوبه طرح جامع شهر تبریز مبنی بر وقف نمودن ۵ تا ۱۰٪ از زمین متقاضی تفکیک زمین به شهرداری.
- رأی شماره ۴۷۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ با موضوع سلب مالکیت مشروع اشخاص و یا الزام آنان به واگذاری قسمتی از زمین به طور رایگان و یا پرداخت قیمت معادل آن به منظور تفکیک آنها.
- رأی شماره ۵۶۱ مورخ ۸۳/۱۱/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال قسمت ششم از بند پ ماده ۴ فصل دوم و مواد ۲۲ و ۲۶ تصویب نامه شماره ۱۴۴۰۴/ت/۳۲۰۳ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۱.
- رأی شماره ۲۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال تصویب نامه شماره ۱۵۰۵۴۴/ت/۵۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۸.
- رأی شماره ۲۱۱۹۷ شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۹/۶/۳۱ در خصوص شکایت شاکی علیه گمرک ایران به خواسته اعتراض به حکم اداری به شماره ۸۲/۸۱۵/۵۶۹۳/۱۰/۵۹۵۷۲ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۲ صادره از مدیر کل امور اداری گمرک ایران مبنی بر تغییر محل جغرافیایی خدمت و تقاضای ابطال آن.
- رأی شماره ۱۸۶ شعبه اول دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۶۳/۲/۳۰ در خصوص اعتراض به حکم بازخریدی.

- رأی وحدت رویه شماره ۵۴ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۸ در اعلام تعارض از آراء صادره از شعب ۱۷ و ۱۴.
- رأی وحدت رویه شماره ۱۰۱ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸ در مورد مستدل بودن آراء صادره از شعب دیوان.

ب) انگلیسی

a) Books

- Bellamy, Richard, (2007), *Political Constitutionalism: A Republican Defence of the Constitutionality of Democracy*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Carroll, Alex, (2009), *Constitutional and Administrative Law*, 4th Ed, London, Pearson.
- Collins *COBUILD Advanced Learner's English Dictionary*, (2006), 5th ed, New York, Harpercollins Publishers.
- Craig, Paul, (2003), *Administrative Law*, 5th ed, London, Sweet & Maxwell.
- Dicey, Albert Venn, (1915), *The Law of the Constitution*, 8th ed. London: Macmillan.
- Kunnecke, Martina, (2007), *Tradition and Change in Administrative Law: An Anglo-German Comparison*, New York, Springer.
- Locke, John, (1996), *An Essay Concerning Human Understanding*, New York, Prometheus Books.
- Oxford Advanced Learner's Dictionary, Available at: <http://oald8.oxfordlearnersdictionaries.com/dictionary/reasonableness>.
- Raz, Joseph, (2009), *The Authority of Law*, 2nd edn, London, Oxford, Oxford University Press.
- Vincent, Nicholas, (2012), *Magna Carta: A Very Short Introduction*, Oxford, Oxford University Press.
- Wade, William & Forsyth, Christopher, (2004), *Administrative Law*, 9th ed, Oxford, Oxford, University Press.
- Woolf, Harry; Jowell, Jeffrey; Le Sueur, Andrew; Hare, Ivan; Donnelly, Catherine, (2007), *De Smith's Judicial Review*, 6th Ed, London, Sweet & Maxwell.

b) Articles

- Airo Farulla, Geoff, (2007), "Reasonableness, Rationality and Proportionality", *Australian Administrative Law, Fundamentals, Principles and Doctrines*, edited by Matthew Groves & H P Lee, Cambridge University Press.
- Alexy, Robert, (2009), "The Reasonableness of Law", in *Reasonableness & Law*, edited by Bongiovanni, Giorgio, Sartor, Giovanni & Valentini, Chiara, Springer.
- Craig, Paul, (2013), "the Nature of Reasonableness Review", *Current Legal Problems*.
- Fordham, Michael, (2007), "Wednesbury", *Judicial Review*, Volume 12, Issue 4.

- Ip, Eric C, (2014), "Taking a Hard Look at Irrationality: Substantive Review of Administrative Discretion in the US and UK Supreme Courts", Oxford Journal of Legal Studies, Volume 34, Issue 1.

- Jowell, Jeffrey, (2013), "Proportionality, Unreasonableness and Other General Principles", The Citizen's Rights Protection Against Public Power The Italian and British Experiences: A Comparison, Meeting of the Consiglio Di Stato, the Bingham Centre for the Rule of Law and the UK Supreme Court, Available at: http://www.giustizia-amministrativa.it/documentazione/studi_contributi/Sir_Jeffrey_Jowell_QC_Proportionality_etc.htm

- Jowell, Jeffrey, & Lester, Anthony, (1988), "Beyond Wednesbury: Substantive Principles of Administrative Law", Commonwealth Law Bulletin, Volume 14, Issue 2.

- Knight, Dean R, (2010), Judicial Review: Practical Lessons, Insights and Forecasts, Working Paper VUW-NZCPL-002, Wellington.

- Laws, John, (1998), "Wednesbury", in The Golden Metwand and the Crooked Cord: Essays on Public Law in Honour of Sir William Wade QC, edited by Forsyth, Christopher & Hare, Ivan, Oxford University Press.

- MacCormick, Neil, (1999), "Reasonableness and Objectivity", Notre Dame Law Review, Volume 74, Issue 5, p. 1577

- Moules, Richard, (2007), "Uncertainty as a Ground for judicial Review, Judicial Review", Volume 12.

- Peiris, G. L, (1987), "Wednesbury Unreasonableness: The Expanding Canvas", Cambridge Law Journal, Vol.46, Number 1.

- Sartor, Giovanni, (2009), "A sufficientist Approach to Reasonableness in Legal Decision – Making and Judicial Review", Reasonableness & Law, edited by Bongiovanni, Giorgio, Sartor, Giovanni & Valentini, Chiara, Springer.

- Schultz Bressman, Lisa, (2003), Beyond Accountability: Arbitrariness and Legitimacy in the Administrative State, Vanderbilt Public Law Research Paper, No. 02-06

- Sidebotham BA, Naomi, (2001), "Judicial Review: Is There Still A Role For Unreasonableness?", Murdoch University Electronic Journal of Law, Volume 8, Number, available at: https://www.murdoch.edu.au/elaw/issues/v8n1/sidebotham81_text.html

c) Thesis

- Phadime Nchabeleng, Charles, (2007), Unreasonableness As A Ground For Judicial Review In The South African Administrative Law, Dissertation Submitted to the University Of Limpopo, for The Degree of Masters of Laws,, South Africa, 2007.

- Pillay, Anashri, (2011), Reinventing Reasonableness: the Adjudication of Social and Economic Rights in South Africa, India and the United Kingdom, Thesis Submitted to the University College London, for The Degree of Ph.D in the Faculty of Laws.

d) Cases

- Associated Provincial Picture Houses Ltd v. Wednesbury Corporation, (1948), 1 KB 223.

- Bizony v. Secretary of State for the Environment, (1976), 239 E.G. 281.

- Brown v. Secretary of State for the Environment, (1978), 40 P. & C.R 285.
- Cannock Chase District Council v. Kelly, [1978], 1 WLR 1.
- Council of Civil Service Unions v. Minister for the Civil Service, (1985), AC 374.
- Fawcett Properties Ltd v. Buckingham CC, (1961), A.C. 636.
- Hall v. Shoreham-by-Sea UDC, (1964), 1 W.L.R 240.
- Hall & Co. Ltd v. Shoreham-by-Sea UDC, (1964), 1 W.L.R 240.
- Lonrho Plc v. Secretary of State for Trade and Industry, (1989), 1 W.L.R.
- McEldowney v. Forde, (1971), A.C. 632.
- Mixnam's Properties Ltd v. Chertsey UDC, [1964], 1 Q.B. 214, [1965], A.C. 735.
- Padfield v. Minister of Agriculture Fisheries and Food, [1968], A.C. 997.
- Percy v. Hall, [1997], Q.B. 924
- R v. Chief Constable of Sussex. ex p International Trader's Ferry Ltd, [1999], 1 All ER 129.
- R v. Secretary of State for Home Department, ex p. Brind, [1991], 1 AC 696.
- R v. secretary of state for Foreign and Commonwealth Affairs ex p. World Development Movement Ltd, [1995], 1 WLR 386.
- R(Bancoult) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs [2008] UKHL 61.
- R v. Secretary of State for Health, ex p. Wagstaff, [2001], 1 WLR 292.
- R (O) v. London Borough of Hammersmith and Fulham, [2011], EWHC 679.
- R v. Lord Saville of Newdigate, ex p. A, [1999], 4 ALL ER 860.
- R (L (A Child)) v. J School Governors, [2003], UKHL 9.
- R (AA(Afghanistan)) v. Secretary of State for the Home Department, [2006], EWCA Civ. 1550.
- R v. East Sussex County Court ex p. Tandy, [1998].
- R v. Lambeth LBC Ex p. Ashley, [1997], 29 H.L.R 385.
- R v. Islington LBC Ex p. Hassan, (1995), 27 H.L.R 485.
- R v. Hammersmith and Fulham LBC ex p. Earls Court Ltd, The Times, September 7, 1993.
- R v. Parliamentary Commissioner for Administration ex p. Balchin, [1998], 1 P.L.R 1, 13.
- R v. Civil Service Appeal Board ex p. Cunningham, [1991], 4 All E.R 310.

- R v. Lambeth LBC Ex p. Ashley, [1997], 29 H.L.R 385.
- R v. Islington LBC Ex p. Hassan, (1995), 27 H.L.R 485.
- R v. Secretary of State for the Home Department ex p. Khawajah, [1984], A.C. 74.
- R v. Secretary of State for the Home Department ex p. Leech (No.2), [1994], Q.B. 198.
- R v. Secretary of State for Employment, ex parte Equal Opportunity Commission, [1995], AC 1.
- R (on the application of Quark Fishing Ltd) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs, [2001], EWHC 1174.
- R v. North Hertfordshire DC ex p. Cobbold, [1985], 3 All E.R 486.
- R v. Barnett LBC Johnson, (1989), 89 L.G.R 581.
- Secretary of State for Education & Science v. Tameside MBC, [1977], A.C. 1014.
- Staden v. Tarjanyi, (1980), 78 L.G.R 614.
- Tesco Stores Ltd v. Secretary of State for the Environment, [1995], 1 WLR 759.
- Wheeler v. Leicester City Council, [1985], A.C. 1054.